

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای **فهمید حمت خواه** تحت عنوان

معرفت نفس و ارتباط آن با شناخت خداوند از دیدگاه علامه جامالی

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد

می کنند .

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	محمد سعید رضی دکنبر	دانشیار رئیس	رکتم
۲- استاد مشاور	حوران البرزازه	استادیار	انزازه
۳- استاد ناظر	حسین زینب		
۴- استاد ناظر			
۵- نماینده تحصیلات تکمیلی			رکتم

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته **فلسفه و علوم اسلامی** است که در سال **۱۳۹۰** در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **سعیدی مهر**، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **السیار** و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر _____ از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب **فهمیه هست خواه** دانشجوی رشته **فلسفه و علوم اسلامی** مقطع **ارشد** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **فهمیه هست خواه**

تاریخ و امضا: 

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب، حسین محمد خواجه، دانشجوی رشته فلسفه و علوم اسلامی، ورودی سال تحصیلی ۱۳۸۸، مقطع ارشد، دانشکده علوم اسلامی، متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 

تاریخ: ۹۱/۳/۳۰



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی

معرفت نفس و ارتباط آن با شناخت خداوند از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

فهیمة همت خواه

استاد راهنما:

دکتر محمد سعیدی مهر

استاد مشاور:

دکتر رضا اکبریان

اسفند ۱۳۹۰

سپاس از آن خدایی است که سائیکسگران به مدح او نرسند و شمارشگران نعمت هایش را شمارش، و کوشندگان حشش را

ادا نکنند. خدایی که صاحبان همت هایش بلند به کنه ذات او نرسند و هوش هایش غواص و اندیشه هایش سرشار هر چند

شرف اندیشی کنند، به او دست نیابند. (خطبه انسج البلاغه)

با تقدیر و تشکر از:

پدر و مادر عزیزم که موفقیت های علمی خود را مدیون دعای خیر ایشان هستم.

و همچنین همسر بزرگوار و صبورم که صمیمانه مرا همراهی و یاری کرد.

و با کمال تشکر از:

جناب آقای دکتر سعیدی مهر که با رهنمودهای حکیمانه ی فویش مرا یاری کردند.

و جناب آقای دکتر اکبریان که با مشاوره های عالمانه ی خود راه را برایم هموار نمودند.

چکیده

علامه طباطبایی معرفت نفس را نزدیک‌ترین و کامل‌ترین طریق در معرفت خداوند به شمار می‌آورد. وی معرفت حصولی نفس را معرفتی حقیقی نمی‌داند بلکه معرفت نفس ناب را معرفتی حضوری و شهودی می‌داند. معرفت حصولی نفس لزوماً همراه با شناخت خداوند نیست ولی معرفت شهودی نفس تهی از معرفت حق تعالی نخواهد بود و هر کس به اندازه ظرفیت وجودی خویش از شهود خداوند سبحان بهره می‌برد. علامه طباطبایی بر مبنای وحدت شخصی وجود و تجلی ظهور خداوند در موجودات، تقریری نو از معرفت نفس ارائه می‌دهد. بنا بر نظر علامه ممکنات در واقع موجودات مقید و محدودند و تنها واقعیت مطلق خداوند است که هیچ قید و تعیینی ندارد. هر اندازه حد و تعیین موجودی بیشتر باشد، از آن حقیقت مطلق دورتر خواهد بود. این انسان است که در فرآیند معرفت نفس از عالم مادی و اشتغال به لذایذ مادی وحسی جدا شده و پا را فراتر از عالم ماده گذاشته و از قیود و تعینات عالم ماده رها می‌شود و به مرتبه‌ی مثالی می‌رسد و سپس وارد عالم عقل و در نهایت به مقام فنا نایل می‌شود؛ این مقام خود شامل سه مرتبه‌ی فنا‌ی ذاتی و صفاتی و افعالی است. از بیانات علامه چنین برداشت می‌شود که در نگاهی عمیق به معرفت نفس، انسان اولاً و بالذات حقیقت مطلق خداوند را ادراک و شهود می‌کند و به تبع این معرفت، خود را که ظهوری از آن حقیقت است مشاهده می‌کند؛ زیرا هر ظاهری دارای باطنی است و هر باطنی باطنی دارد و همین‌طور ادامه می‌یابد تا به حقیقت الحقایق که باطن همه‌ی باطن‌هاست، منتهی شود. از طرفی هر انسانی علم حضوری به «من» خویش دارد و از آنجا که هر ویژگی وجودی متعلق به ظاهر در واقع اولاً و بالذات متعلق به باطن است و به عرض و تبع آن به ظاهر اسناد داده می‌شود بنابراین معرفت حضوری نفس اولاً و بالذات متعلق به ادراک شهودی نفس نسبت به حق تعالی است.

کلید واژه: معرفت نفس، شناخت خداوند، علامه طباطبایی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: مقدمه و کلیات	۱
۱.۱ مقدمه و بیان مسئله.....	۲
۱.۲ سوالات تحقیق.....	۴
۱.۳ فرضیه‌ها/ پیش فرضها.....	۵
۱.۴ مواد و روش انجام تحقیق.....	۶
۱.۵ جنبه جدید بودن و نوآوری (پیشینه‌ی تحقیق).....	۶
۱.۶ سازماندهی تحقیق.....	۶
فصل دوم: مبانی معرفت نفس و شناخت خداوند.....	۸
۲.۱ تاریخچه بحث.....	۹
۲.۲ بخش اول: نفس.....	۱۲
۲.۲.۱ معانی و موارد استعمال «نفس».....	۱۲
۲.۲.۲ حدوث نفس.....	۱۴
۲.۲.۳ تجرد نفس.....	۱۸
۲.۲.۳.۱ ادله نقلی.....	۱۸
۲.۲.۳.۲ ادله عقلی.....	۲۰
۲.۲.۳.۲.۱ عدم غفلت از خویش.....	۲۰

۲۱	تغییر ناپذیری و انقسام ناپذیری نفس	۲.۲.۳.۲.۲
۲۴	ادله مادی گرایان در انکار تجرد نفس از نظر علامه	۲.۲.۳.۳
۲۵	حقیقت انسان	۲.۲.۴
۲۶	بخش دوم: علم و معرفت	۲.۳
۲۶	بدهت مفهوم علم و معرفت	۲.۳.۱
۲۸	تعاریف لفظی علم و معرفت	۲.۳.۲
۳۰	تفاوت علم النفس و معرفت النفس	۲.۳.۳
۳۱	اقسام علم	۲.۳.۴
۳۲	انحصار علم به حصولی و حضوری	۲.۳.۴.۱
۳۳	اصالت علم حضوری و اعتباریت علم حصولی	۲.۳.۴.۲
۳۴	ویژگی‌های علم حضوری	۲.۳.۴.۳
۳۴	خطاناپذیری	۲.۳.۴.۳.۱
۳۴	فقدان واسطه	۲.۳.۴.۳.۲
۳۵	عینیت علم و معلوم	۲.۳.۴.۳.۳
۳۵	اتحاد عالم و معلوم یا اتصال وجودی میان آنها	۲.۳.۴.۳.۴
۳۵	امکان دست یابی به حقیقت وجود	۲.۳.۴.۳.۵
۳۶	شخصی و غیرقابل انتقال بودن	۲.۳.۴.۳.۶
۳۶	بی نیازی از قوای ادراکی	۲.۳.۴.۳.۷

۳۷	تشکیک پذیری	۲.۳.۴.۳.۸
۳۸	نوع معرفت در معرفت نفس	۲.۳.۵
۳۹	متعلق معرفت	۲.۳.۶
۴۱	عالم طبیعت	۲.۳.۶.۱
۴۲	عالم مثال	۲.۳.۶.۲
۴۴	عالم عقل	۲.۳.۶.۳
۴۵	بخش سوم: راه‌های خدانشناسی	۲.۴
۴۵	سیر آفاقی و انفسی	۲.۴.۱
۴۸	تقسیم‌بندی دیگر	۲.۴.۲
۴۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۲.۵
۵۲	فصل سوم: اهمیت معرفت نفس و ارتباط آن با معرفت رب	
۵۳	بخش اول: معرفت نفس	۳.۱
۵۳	اهمیت و ضرورت معرفت نفس	۳.۱.۱
۵۸	معرفت نفس، راهی برای وصول به مقام ولایت	۳.۱.۲
۵۹	معرفت نفس در روایات	۳.۱.۳
۶۱	مراد از معرفت نفس	۳.۱.۴
۶۲	موانع معرفت نفس	۳.۱.۵
۶۷	مراتب معرفت نفس	۳.۱.۶

- ۳.۱.۷ فنای ذاتی و صفاتی و افعالی ۶۹
- ۳.۲ بخش دوم: ارتباط معرفت نفس با شناخت حق تعالی ۷۲
- ۳.۲.۱ برداشت امتناعی از رابطه‌ی معرفت نفس و شناخت خداوند ۷۲
- ۳.۲.۱.۱ توجیهاتی بر برداشت امتناعی ۷۲
- ۳.۲.۲ تلازم معرفت نفس و معرفت رب ۷۶
- ۳.۲.۲.۱ تلازم خودشناسی و خداشناسی در فحوای آیه ذر ۷۷
- ۳.۲.۳ معرفت حصولی رب در سایه‌ی معرفت نفس ۸۰
- ۳.۲.۴ معرفت حضوری رب در سایه‌ی معرفت نفس ۸۰
- ۳.۳ ارتباط معرفت نفس و معرفت رب از دیدگاه علامه ۸۲
- ۳.۳.۱ تعریف شهود از نظر علامه طباطبایی ۸۲
- ۳.۳.۲ شهود حضرت حق از دیدگاه علامه ۸۳
- ۳.۳.۳ مشهود بودن خداوند برای تمام موجودات ۸۸
- ۳.۳.۳.۱ بیان یک اشکال و پاسخ به آن ۸۹
- ۳.۳.۴ عدم انفکاک موجودات از شهود حق تعالی ۹۰
- ۳.۳.۵ هویت فقری موجودات ۹۲
- ۳.۳.۶ هویت عین الربط نفس، مثالی از باری تعالی ۹۶
- ۳.۳.۷ ذو مراتب بودن واقعیت ۹۷
- ۳.۳.۸ اطلاق و لاحدی ذات حق تعالی ۹۸

۳.۳.۹	اعراض از ظاهر، راه دستیابی به باطن	۱۰۰
۳.۳.۱۰	ماده، کانون تعینات	۱۰۳
۳.۳.۱۱	علم حضوری لایه‌های باطنی نفس	۱۰۴
۳.۳.۱۲	حقیقت و کمال موجودات	۱۰۶
۳.۳.۱۳	ظهور حقیقت در مظاهر	۱۰۸
۳.۳.۱۴	مبنای متفاوت در تشکیک و وحدت وجود	۱۱۰
۳.۳.۱۵	نظریه‌ی علامه بر پایه‌ی وحدت شخصی وجود	۱۱۲
۳.۳.۱۶	لزوم فنا از قیود در دستیابی موجودات به کمال حقیقی خود	۱۱۳
۳.۳.۱۷	عدم انفکاک شهود شیء از شهود مقوم آن	۱۱۴
۳.۳.۱۸	شهود نفس نسبت به حقیقت عین الربطی خود	۱۱۵
۳.۴	تقریر حدیث معرفت نفس براساس برهان لم	۱۱۷
۳.۵	رابطه‌ی بین خودفراموشی و فراموش کردن خداوند	۱۲۰
۳.۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱۲۲
۳.۷	نتیجه‌گیری نهایی	۱۲۴
	فهرست منابع	۱۲۶
	چکیده انگلیسی	۱۳۰

فصل اول: مقدمه و کلیات

۱.۱ مقدمه و بیان مسئله

با نگاهی اجمالی به تاریخ تفکر فلسفی می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و مسائل مورد بحث، مسئله‌ی معرفت نفس و ارتباط آن با شناخت خداوند بوده است. به گفته‌ی یکی از بزرگان^۱ هیچ علمی به اندازه‌ی معرفت نفس دارای اهمیت نیست و همه‌ی علوم عقلی مبتنی بر آن است و به همین دلیل است که همه‌ی پیامبران، بشر را به مطالعه‌ی کتاب تکوینی ذاتش یعنی همان معرفت نفس ارجاع داده‌اند.

ملاصدرا به عنوان یک حکیم و فیلسوف بزرگ، خودشناسی را ام الفضایل و اصل المعارف می‌نامد و در تأکید بر اهمیت علم النفس، مبحث روان‌شناختی را از طبیعیات به الهیات منتقل می‌کند و با تأثیر از متون اسلامی آن را مکمل شناخت خداوند؛ بلکه اصل هر معرفتی قرار می‌دهد. از نظر وی معرفت نفس، نردبان ترقی برای شناخت مبدأ و صفات او محسوب می‌شود و بدون پیمودن مدارج آن دستیابی به معارف الهی میسر نمی‌باشد. این نکته نیز حائز اهمیت است که صدرا برهان معرفت نفس را پس از برهان صدیقین، اشرف براهین می‌داند.

علامه طباطبایی نیز معرفت نفس را شاهراه عرفان دانسته و آن را کلید سلوک و شهود معرفتی می‌نماید. وی خودشناسی و معرفت نفس را نزدیک‌ترین راه معرفت به رب و کمالات بشری و سعادت

^۱ - حسن‌زاده‌ی آملی، حسن، معرفت نفس، تهران، مؤسسه انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۴۳۳.

حقیقی می‌داند. در حقیقت عرفانی که علامه به آن معتقد است، از آیات "علیکم انفسکم"، "و فی انفسکم أفلا تبصرون" و "وأعلموا أن الله يحول بین المرء و قلبه" سرچشمه می‌گیرد و حرکتی از نفس و خود انسان به سوی رب است. عمده‌ی مباحث علامه در این مسئله را می‌توان در تفسیر المیزان و خصوصاً در کتاب با ارزش رسالۃ الولاية یافت. وی معرفت نفسی که از طریق علم حصولی به دست می‌آید، معرفت حقیقی نمی‌داند بلکه معرفت نفس ناب را معرفتی شهودی و حضوری می‌داند.

درباره‌ی این مسئله که آیا ارتباطی بین معرفت نفس و شناخت خداوند وجود دارد یا نه؛ برخی قائل به ارتباط تنگاتنگ بین این دو شده‌اند و دستیابی به یکی را بدون پرداختن به دیگری غیر ممکن دانسته‌اند. این عده شاهد بر مدعای خود حدیث مشهور "من عرف نفسه فقد عرف ربه" را ذکر کرده‌اند.

گروهی دیگر نیز تفسیری مغایر با این رأی را برگزیده‌اند و بر این عقیده‌اند که همان گونه که معرفت رب غیرممکن است، تحقق معرفت نفس نیز محال است. البته این دیدگاه قابل نقد و بررسی است و بسیاری از اندیشمندان از جمله علامه طباطبایی آن را نپذیرفته‌اند.

دسته‌ی اول در صدد توجیه و تبیین کیفیت معرفت رب از گذرگاه معرفت نفس برآمده‌اند؛ برخی آن را از طریق برهان نظم تبیین می‌کنند؛ یعنی انسان از شگفتی و نظم موجود در روح و جسم خود به وجود خداوند پی می‌برد. عده‌ای دیگر استدلالی شبیه وجوب و امکان را ذکر کرده‌اند؛ به این نحو که انسان وجود وابسته و غیر مستقل و فقر خود را مشاهده می‌کند و به وجود مستقل و غیر ممکن خداوند پی می‌برد. و یا اینکه از طریق معلولیت نفس آن را تبیین می‌کنند؛ این که شخص از معلول بودن نفس و جسم خود، سلسله‌ی علل و معالیل را پی‌گیری می‌کند تا به علل العلی می‌رسد. و یا اشاره به برهان فطرت می‌کنند که فرد نور الهی و توحید را در زوایای قلب و اعماق روح خود می‌-

بیند و دیگر اینکه انسان از صفات محدود و ویژه ممکنات در خود، حکم به نامحدود بودن صفات در حق تعالی می‌کند.

علامه طباطبایی نیز بر مبنای وحدت شخصی وجود و تجلی و ظهور خداوند در موجودات و هویت فقری ممکنات تقریری نو از ارتباط معرفت نفس به شناخت خداوند ارائه می‌دهد به گونه‌ای که شناخت خداوند را مقدم بر شناخت خود می‌داند و این مطلب را با براهین و دلایلی اثبات می‌کند.

با توجه به اهمیت والای مبحث معرفت نفس و ارتباط تنگاتنگ آن با خداشناسی، نظر دقیق فیلسوف و عارفی بزرگ مانند علامه طباطبایی (ره) و شاگردان وی سهم بالایی در فهم عمیق و تبیین این مسئله خواهد داشت. لذا در این تحقیق درصدد آمدیم تا سخنان علامه در بحث معرفت نفس را که در کتب و رساله‌های وی به صورت پراکنده یافت می‌شود، جمع‌آوری نموده و به صورت منسجم و مدون در آورده و نیز ارتباط آن را با مسئله‌ی خداشناسی تبیین نماییم. بدین منظور روند کار را به این صورت قرار داده که ابتدا به بیان توضیحاتی راجع به نفس و مفهوم علم و معرفت و راههای خداشناسی از دیدگاه علامه می‌پردازیم در ادامه ضرورت و اهمیت معرفت، چیستی معرفت نفس، مراتب معرفت نفس و موانع دستیابی به آن را بیان می‌کنیم. پس از تبیین مسئله معرفت نفس در فلسفه‌ی علامه، درباره‌ی ارتباط آن با خداشناسی نیز بحث می‌شود؛ اینکه آیا رابطه‌ای بین این دو امر وجود دارد و اگر هست چگونه است؛ چطور می‌توان از شناخت نفس به شناخت خداوند منتقل شد. محورهای مذکور اهم محورهایی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲ سوالات تحقیق

اهم سوالات این پایان نامه به شرح زیر می‌باشد:

۱. اهمیت و ضرورت معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی چگونه قابل تبیین است؟

۲. حقیقت معرفت نفس از نظر علامه طباطبایی چیست؟

۳. از دیدگاه علامه طباطبایی ارتباط معرفت نفس با شناخت خداوند چگونه است؟

۱.۳ فرضیه‌ها / پیش‌فرض‌ها

۱. علامه خودشناسی و معرفت نفس را امری ممکن الوقوع دانسته و سخن کسانی که معرفت نفس را محال می‌دانند را نقد می‌کند. بنا بر نظر وی معرفت نفس یک ضرورت عقلی و معنوی است و در واقع خودشناسی مایه‌ی دستیابی به غایت و منتهای هر شناخت و معرفت است و شاه راه عرفان ناب و حقیقی، معرفت نفس است.

۲. معرفت نفس هم به صورت حصولی و هم به نحو حضوری محقق می‌شود. معرفت انسان به مجرد نفس و قوای آن و معرفت‌های دیگری که از طریق فلسفه حاصل می‌شود معرفت حصولی به نفس است که گرچه لازم است ولی کافی نیست. اما معرفت نفسی که خداشناسی ثمره‌ی آن است، همان معرفت نفس حضوری و شهودی است. هر چند معرفت حصولی و مفهومی نفس گاهی مقدمه‌ای برای معرفت حضوری است.

۳. از نظر علامه طباطبایی (ره) خودشناسی و معرفت نفس ارتباط وثیقی با خداشناسی دارد و در واقع نزدیک‌ترین و کامل‌ترین راه در معرفت رب است. در این راه انسان که حقیقتی جز ربط به حق تعالی ندارد، پس از پی بردن به فقر و نیاز خویش به وجود خداوند که وجودش عین وابستگی به اوست، پی می‌برد.

۱.۴ مواد و روش انجام تحقیق

در انجام این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی استفاده می‌شود و روش آن توصیفی-تحلیلی است؛ به این صورت که آراء و نظرات علامه حول این موضوع، از آثار او جمع‌آوری و توصیف می‌گردد و سپس به تحلیل آن‌ها بر اساس قواعد و مبانی فلسفی می‌پردازیم.

۱.۵ جنبه جدید بودن و نوآوری (پیشینه‌ی تحقیق)

در آثار موجود پایان‌نامه یا رساله‌ای به این موضوع از دیدگاه علامه طباطبایی نپرداخته بود و تحقیق منسجم و جامعی درباره‌ی نظرات این فیلسوف بزرگ راجع به این مبحث یافت نشد. تنها یک مقاله با موضوع «تبیین معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی» توسط عباس عزیزی علویجه به رشته‌ی تحریر در آمده بود که در این مقاله نیز نظریه‌ی علامه به صورت واضح و شفاف بیان نشده است. سعی ما در این تحقیق تبیین و توضیح تفصیلی نظریه‌ی علامه طباطبایی در باب معرفت نفس و ارتباط آن با شناخت خداوند است.

۱.۶ سازماندهی تحقیق

به منظور پاسخگویی به سوالات تحقیق، مباحث این پایان‌نامه در سه فصل تدوین یافته است؛ فصل اول به مباحث مقدماتی و کلیات، فصل دوم به مبانی معرفت نفس و شناخت خداوند و فصل سوم به اهمیت و ضرورت و چرایی معرفت نفس و ارتباط آن با شناخت خداوند می‌پردازد. ساختار مباحث هر فصل به صورت اجمالی در ذیل ارائه می‌شود:

در فصل اول این عناوین مورد بررسی قرار خواهد گرفت: مقدمه و بیان مسئله، سوال‌ها و فرضیه‌های تحقیق، جنبه‌ی جدید و نوآوری بودن تحقیق، مواد و روش انجام تحقیق، سازماندهی تحقیق.

فصل دوم خود متضمن سه بخش است؛ در بخش اول آن به مبحث نفس از دیدگاه علامه طباطبایی می‌پردازیم؛ مباحثی از قبیل معانی و موارد استعمال نفس و تجرد و حدوث نفس و ادله‌ی علامه در این باره و همچنین حقیقت انسان از دیدگاه علامه بررسی می‌شود. در بخش دوم به مبحث علم و معرفت و تفاوت آن دو پرداخته می‌شود. سپس اقسام علم (حصولی و حضوری) و ویژگی‌های علم حضوری بیان می‌شود. در پایان این بخش به ویژگی‌های عوالم سه گانه (عالم مادی، مثال و عقل) از آن حیث که متعلق معرفت واقع می‌شوند، می‌پردازیم. در بخش سوم از این فصل راه‌های خداشناسی به طور اجمالی از دیدگاه علامه بیان می‌شود و ویژگی‌های سیر آفاقی و انفسی در شناخت خداوند بررسی می‌گردد.

فصل سوم متشکل از دو بخش است؛ بخش ابتدایی به اهمیت و ضرورت معرفت نفس و چیستی و مراتب آن و موانع معرفت نفس می‌پردازد. بخش دوم نیز به مبحث ارتباط معرفت نفس با شناخت خداوند می‌پردازد. در ابتدا شهود و معرفت حق تعالی از دیدگاه علامه بیان می‌شود سپس هویت فقری موجودات در نظرگاه علامه تبیین می‌شود و همچنین مراتب واقعیت، متعین و محدود بودن ممکنات و اطلاق حق تعالی و علم حضوری انسان به خویش و شهود و ادراک حق تعالی قبل از ادراک نفس خویش اهم مباحثی است که در این فصل به آن پرداخته می‌شود.

فصل دوم: مبانی معرفت نفس و شناخت خداوند